

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، اللهم صل على محمد وآل محمد

نامه‌ای قبل از رمضان برای فضلاء، مبلغین، ائمه جمعه و جماعات و روحانیون شاغل در ارگان‌ها

سلام علیکم

با حذف مقدمات چند نکته در مورد رمضان و قرآن:

۱- اهمیت رمضان بیش‌تر به خاطر نزول قرآن است (و در مرحله بعد به خاطر روزه گرفتن) «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (بقره، ۱۸۵) و نفرمود: «شهر رمضان الذي كتب عليكم الصيام»

۲- ماشین‌های هواگرفته را در سراسیبی هل می‌دهند تا روشن شود. سراسیبی قرآن ماه رمضان است که باید چراغ تفسیر در همه جا روشن شود.

۳- به ما سفارش شده است که هرگاه فتنه‌ها چون شب تاریک شما را دربرگرفت، راه نجات قرآن است. «فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ» (کافی، ج ۲، ص ۵۹۹)

۴- در رمضان جلسات تلاوت قرآن در صدا و سیما فضای جامعه را برای تفسیر آماده می‌کند.

۵- برخلاف تصور برخی که تفسیر و تدبر را مستحب می‌دانند به نظر می‌رسد که تفسیر واجب است زیرا خداوند نسبت به کار مستحب توبیخ مکرر نمی‌کند، درباره قرآن یکجا می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ» و پشت سر آن می‌فرماید: «أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد، ۲۴)

۶- گاهی در برنامه‌های حوزه و دانشگاه دیده می‌شود که به آیه «خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ» (مریم، ۱۲) عمل نشده است و دروس دیگر بسیار جدی‌تر از تدبر در قرآن است. تا آنجا که در شب قدر که شب نزول قرآن است در بسیاری از مساجد خود قرآن سهمی ندارد و سهم دعای جوشن کبیر، افتتاح، ابوحمزه، سخنرانی، مداحی، سینه‌زنی و مراسم قرآن به سرگرفتن بسیار بیش‌تر از خود قرآن است.

۷- قرآن می‌فرماید: سؤالات شما را من پاسخ می‌دهم، «آيَاتُ لِّلسَّائِلِينَ» (یوسف، ۷) بیماری‌های روحی شما را من شفا می‌دهم «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ» (اسراء، ۸۲)

۸- با اینکه پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله از مظلومیت اهل بیت و شهادت دخترش و امامان معصوم علیهم السلام خبر داشت، ولی به گفته قرآن در قیامت نوک شکایت به سمت مہجوریت قرآن است، (نه مظلومیت اهل بیت) «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان، ۳۰)

با یک نگاه به همین آیه نکاتی استفاده می‌شود از جمله:

الف) با اینکه شکایت در آینده و قیامت است، ولی قرآن می‌فرماید: «وَقَالَ الرَّسُولُ» و این به خاطر آن است که آینده قطعی به منزله گذشته است.

ب) شاکی پیغمبری است که رحمة للعالمین است.

ج) محل تشکیل دادگاه، در قیامت و در حضور خداست.

د) کلمه اتخاذ در آیه نشان آن است که افراد با علم و عمد قرآن را رها کرده‌اند. (نه با غفلت و سهو)

هـ) کلمه مهجور غیر از متروک است. زیرا به معنای طرد کردن و ترک کردن با تحقیر است.

۹- تلاوت ارزش دارد ولی مهم‌تر از آن فهمیدن قرآن است. قرآن می‌فرماید: در حال مستی به سراغ نماز نروید تا بدانید که چه می‌گویید «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»

۱۰- بعضی می‌گویند فهم قرآن فقط مخصوص اهل بیت است ولی قرآن این سخن را رد می‌کند و می‌فرماید: به کفار هم اگر مهلت تحقیق خواستند، مهلت دهید تا حرف خدا را بشنوند «حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» و ناگفته پیداست که شنیدن به معنای فهمیدن است. آری اهل بیت علیهم‌السلام مطالبی می‌فهمند که افراد عادی آن را نمی‌فهمند. مثل غواصی که از دریا جواهراتی خارج می‌کند که افراد عادی قدرت آن را ندارند ولی نباید گفت که استفاده از دریا مخصوص غواصان است. بلکه هر کس می‌تواند از دریا بهره‌ای ببرد، مثلاً با نگاه به دریا، شنا، ماهیگیری، حمل و نقل و امثال آن.

۱۱- قرآن می‌فرماید که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در سخنرانی‌ها باید آیات نازل شده را به مردم بگوید. «لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل، ۴۴) ولی در بعضی از سخنرانی‌ها شعر و تاریخ و داستان و نقل رؤیا و خواب و تحلیل‌های حزبی و سیاسی و... به مراتب از بیان کلام خالق بیش‌تر است.

۱۲- ناگفته پیداست که در کنار قرآن، باید از روایات معتبر غافل نشویم.

۱۳- قرآن هم کتاب موعظه و تذکر است، «فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدَ» (ق، ۴۵) هم داستان‌های واقعی و یافتنی دارد (نه داستان‌های خیالی و بافتنی) «أَحْسَنَ الْقَصَصِ» هم استدلال است، هم تاریخ است، هم رشد و هم نکته‌آموز است! در سوره یوسف حدود ۱۴۰۰ نکته اخلاقی، اجتماعی، حکومتی، مدیریتی، خانوادگی و... مشاهده می‌شود. البته آنچه مهم است، چگونگی عرضه تفسیر به جامعه و مردم است.

گوشه‌ای از راه طی شده‌ای که نتیجه داده است را خدمت شما تقدیم می‌کنم:

الف) از قرآن آیاتی انتخاب شود که مخاطب آن حضور داشته باشد. مثلاً برای جمعی که هنوز ازدواج نکرده‌اند، تفسیر آیات طلاق جاذبه نخواهد داشت.

ب) برای زمانی که در منطقه جنگی نیست تفسیر آیات جهاد به خصوص برای نسل نو و خانم‌ها و سالمندان کم‌جاذبه خواهد بود.

ج) اگر زمان گفتن تفسیر کوتاه باشد، جاذبه بیش‌تری خواهد داشت.

د) اگر به جای شأن‌نزول‌های قرآن سعی شود از زمان خود، مصداقی بیان کنیم، جاذبه بیش‌تری خواهد داشت.

مثلاً از آیه «لِإِيلَافٍ قُرَيْشٍ» که شأن‌نزولش درباره قریش و سفر زمستانی و تابستانی آنان بود، به سراغ زمان خود برویم که ما هم باید در هوای سرد و گرم به جای اینکه کار را تعطیل کنیم، مکان خود را تغییر دهیم. بسیاری کسان که امکان هجرت و سفر از نقاط گرمسیر به سردسیر برایشان مشکل نیست. مثل اینکه از خوزستان داغ به همدان خنک سفر کنند ولی کار علمی خود را تعطیل نکنند.

ه) هم‌چنین اگر سعی کنیم از آیات قرآن قانون و اصول کلی استخراج کنیم، جاذبه بیش‌تری خواهد داشت.

به یک نمونه توجه شود:

حضرت ابراهیم علیه‌السلام به فامیل خود گفت: این بت‌ها چیست که می‌پرستید؟ «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ» با نگاه ابتدایی شخصی از بستگان خود سؤال می‌کند که بت‌پرستی چیست؟ اما از این جمله ساده می‌توان اصولی را برای همیشه و همه‌جا کشف و استخراج کرد از جمله:

- در اصلاح و ارشاد و امر به معروف سن شرط نیست. (ابراهیم علیه‌السلام با سن کم بزرگان فامیل را ارشاد کرد)
 - در اصلاح و ارشاد و امر به معروف آمار شرط نیست. (ابراهیم علیه‌السلام یک تنه دعوت خود را شروع کرد)
 - در اصلاح و ارشاد و امر به معروف اول از اطرافیان خود شروع کنیم. (ابراهیم علیه‌السلام اول از بستگان خود شروع کرد. همانگونه که قرآن می‌فرماید: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء، ۲۱۴))
 - در اصلاح و ارشاد و امر به معروف اولویت را در نظر بگیریم. (ابراهیم علیه‌السلام از شرک شروع کرد که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان، ۱۳) و باقی خلاف‌ها را به مراحل دیگر واگذار کرد)
- آری این آیه در ظاهر مسأله‌ای شخصی، جزئی، فردی و خانوادگی است. اما با توجه به این اصول آیه برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها قابل طرح است.

نمونه‌ای دیگر!

همه می‌دانیم و قرآن گواهی می‌دهد که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله پدر و مادر خودش را در کودکی از دست داده است. ولی قرآن خطاب به او می‌گوید: «إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا

کَرِماً» (اسراء، ۲۳) ای پیامبر! اگر یکی از آن دو (والدین) یا هر دو نزد تو به پیری رسیدند، به آنان «اف» مگو و آنان را از خود مران و با آنان سنجیده و بزرگوارانه سخن بگو.

در این آیه خداوند سخن از سالمندشدن والدینی دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله از داشتن آن‌ها محروم بود. از این آیه و امثال آن معلوم می‌شود ما باید غیر از ظاهر آیات، به مراد و منظور آیات نیز توجه کنیم. در ظاهر آیه با شخص پیامبر صلی الله علیه و آله کار دارد، در حالی که شخص پیامبر صلی الله علیه و آله پدر و مادر سالمند ندارد. بنابراین ما باید به قرینه تاریخ قطعی هدف آیه را مردم بدانیم گرچه در ظاهر خطاب به شخص پیغمبر صلی الله علیه و آله است.

و) اگر آیه‌ای که در چند دقیقه تفسیر می‌شود با صوت خوب قرائت شود و یا با خط خوب روی تابلویی نوشته شود، به جاذبه آن افزوده خواهد شد.

ز) تفسیر باید کاربردی باشد، مشکل مردم را حل کند، سؤال مردم را پاسخ بگوید و گره از شبهه‌ای باز کند و از نقل اقوال مختلف و احتمالات گوناگون دوری کنیم و مثل مادری باشیم که غذاهای مختلف می‌خورد، ولی آنچه به کودکش می‌دهد، شیر است. آری مانعی ندارد که مفسر اقوال و احتمالات را ببیند ولی آنچه برای مردم می‌گوید ساده باشد، نه سست! عملی باشد، نه فقط نظری! قابل نقل باشد، نه یک بار مصرف! یعنی آنگونه آیه را تفسیر کنیم که مخاطب ما بتواند برای دیگری بازگو کند. به گونه‌ای تفسیر بگوییم که عوام بفهمد و خواص بپسندد. تفسیری بگوییم که همچون مغز بادام پای درخت مصرف شود و هم بتوان آن را به دورترین نقاط صادر کرد. گاهی بعضی تفسیرها عوام می‌فهمد ولی خواص به آن اعتراض دارد و بعضی را خواص می‌پسندد ولی عوام نمی‌فهمد و گاهی در جلسه تفسیر را می‌فهمد ولی چنان گسترده و مفصل است که نمی‌توان آن را از مسجد به خانه و برای اهل خانه بازگو کرد.

به هر حال باید برای تفسیر قرآن نهضتی به راه بیفتد. همانگونه که بحمدالله برای تلاوت و مسابقات قرآنی حرکت‌های خوبی شده است. ریشه این نهضت خود قرآن است که درباره کتب آسمانی کلمه اقامه را به کار برده است. و کلمه اقامه در مورد دین، نماز و عدالت و کتب آسمانی به کار رفته است. (أَقِيمُوا الدِّينَ، أَقِيمُوا الْوَزْنَ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ، أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنْزِلَ)

نکته مهم آن است که اگر کسی بالاترین مدرک حوزه و دانشگاه را داشته باشد، ولی کتاب آسمانی را به پاندارد، از طرف خداوند لقب پوچی دریافت می‌کند. «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُم» (مائده، ۶۸)

راستی اگر بخواهیم به سفارشات پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کنیم که فرمود: قرآن و اهل بیت علیهم السلام هرگز از هم جدا نمی‌شوند، باید به تعداد مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام جلسات قرآن باشد. اما اگر در منطقه‌ای ده‌ها و صدها جلسه

سوگواری یا مداحی و جشن و سرور برای اهل بیت علیهم السلام بود (که باید باشد) ولی جلسات قرآن و تفسیر نبود، باید به خود بیاییم که این جدایی برای چیست؟ با اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود قرآن و اهل بیت علیهم السلام با هم هستند. اگر می خوانیم که سر بریده امام حسین علیه السلام روی نی قرآن خواند باید دریافت کنیم که امام پیام می دهد که سرم از تنم جدا شد ولی از قرآن جدا نشد.

اگر در روایات می خوانیم که زمانی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند دستور می دهد که در همه جا خیمه نماز برپا و قرآن تلاوت و تدبر و به آن عمل شود. (البته خیمه نماز نشانه سادگی جلسات قرآن است و گرنه می فرمود ساختمان هایی برای قرآن ساخته شود) امروز صدها ساختمان به نام قرآن مجلل ساخته شده ولی آموزش و تدبر و عمل بسیار کم است. اگر هر امام جمعه ای از روحانیون فاضل و خوش بیان قبل از رمضان دعوتی به جا آورند، و آنان را توجیه و تشویق کنند، ان شاء الله در رمضانی که در پیش داریم خواهیم توانست گامی در مهجوریت زدایی از قرآن برداریم که امام رضا علیه السلام فرمود قرائت قرآن در نماز قرار داده شد تا قرآن از مهجوریت بیرون بیاید. «فَلَمْ أَمُرُوا بِالْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ قِيلَ لَوْلَا يَكُونُ الْقِرَاءَةُ مَهْجُورًا» (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۷)

خداوندا آنچه غفلت و تقصیر و قصور نسبت به دین، پیغمبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت و قرآن و امت از ما سرزده است، ببخش و توفیق جبران مرحمت بفرما و قرآن را نزد ما مهجور و پیامبر صلی الله علیه و آله را شاکی ما در قیامت قرار نده. پروردگارا اگر تاکنون استفاده ما از قرآن برای سرگرفتن در شب قدر، استخاره، سوگند به قرآن، چاپ های مجلل، و کاشی کاری لب بام، با خط های در هم پیچیده و ناخوانا و یا برای منزل نو، و بالای سر مسافر گرفتن و... که البته همه این ها نوعی تکریم و تمجید و تبرک و به جا است، گامی فراتر برداریم و مسأله قرآن را در همه شاخه ها به کار ببریم و برای هر رشته ی دانشگاهی تفسیری که مناسب آن رشته است، در اختیار بگذاریم. همانگونه که در برخی از رشته ها این کار آغاز شده و بیش از ۲۰۰۰ نکته حقوقی از قرآن و روایات استخراج و در اختیار قرار گرفت. برای بسیاری از رشته های که دانشجویان فراوانی دارند این آرزو با داشتن این همه عالم و امام جمعه و مدرس و اساتید فرهیخته دانشگاهی آرزوی دوری نیست. نیاز به علم و سلامتی و توفیق و امدادهای الهی و همکاری یکدیگر است.

«والسلام»

محسن قرائتی